

فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۴۸

بررسی روابط سیاسی - نظامی صلاح‌الدین ایوبی و قلیچ ارسلان دوم

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۱ تاریخ تأیید: ۹۰/۱۰/۲۳

سیدابوالقاسم فروزانی*

مهدی محمدی قناتغستانی**

سلاجقه روم به سبب موقعیت اقتصادی و راهبردی ممتاز منطقه شام، به این سرزمین طمع داشتند، اما وجود حکومت‌های قوی در منطقه شام، دست آنها را از این سرزمین کوتاه می‌کرد. پس از مرگ سلطان نورالدین زنگی، سومین سلطان اتابکان زنگی شام (۵۴۱-۵۶۹ ه.ق) هر قسمت از این منطقه به دست یکی از حکومت‌های کوچک محلی افتاد. در این حال صلاح‌الدین ایوبی، مؤسس سلسله ایوبیان (۵۶۴-۵۸۹ ه.ق) برای یک‌پارچه کردن منطقه، به شام لشکرکشی کرد. از سوی دیگر قلیچ ارسلان دوم، ششمین سلطان سلاجقه روم (۵۵۱-۵۸۱ ه.ق) با استفاده از خلأ قدرت، اقدام به باز پس‌گیری مناطقی کرد که نورالدین از دست او درآورده بود. در این حال، دو قدرت ایوبی و سلاجقه روم بر سر تصرف مناطق دیار بکر، مقابل یک‌دیگر صف‌آرایی کردند.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز.

اما به سبب قدرت نظامی صلاح الدین و اهمیت سلاجقه روم در جنگ‌های صلیبی، از جنگ با یک‌دیگر خودداری نموده و به صورت مسالمت آمیز، منطقه مورد درگیری را میان خود قسمت کردند. پس از آن، روابط دو طرف در رابطه با یک‌دیگر به صورت پیچیده‌ای به فراخور زمان، بر اساس تفاهم و تضاصم ادامه یافت.

واژه‌های کلیدی: صلاح الدین ایوبی، قلیچ ارسلان دوم، نورالدین محمود زنگی، دانشمندیه، حصن کیفا.

مقدمه

از آغاز تشکیل دولت سلاجقه روم، همواره تسلط بر منطقه شام به عللی که بیان خواهد شد یکی از اهداف اصلی این دولت به شمار می‌رفت. سلجوقیان روم برای تسلط بر این منطقه، چندین بار به آن لشکرکشی نمودند اما دولت‌های شامات به شدت با این زیاده طلبی‌ها مبارزه می‌کردند. از جمله این درگیری‌ها می‌توان به جنگ سلیمان بن قتلمش با تتش بن آلپ ارسلان، درگیری قلیچ ارسلان بن سلیمان با جاولی سقاوو حاکم موصل و متحدانش، درگیری قلیچ ارسلان بن مسعود با نورالدین محمود زنگی و پس از او با صلاح الدین ایوبی اشاره کرد.

حمله قلیچ ارسلان دوم به شام، با کشورگشایی صلاح الدین ایوبی در آن‌جا مصادف شد و به دو صف آرای در سال‌های ۵۷۵ و ۵۷۶ هـ ق منجر گردید. علت این رویارویی‌ها در ابتدا ناشی از اهمیت اقتصادی و راهبردی شامات و سپس ناشی از عدم وجود قدرت برتر در منطقه، پس از مرگ نورالدین محمود زنگی بود. طی این لشکرکشی‌ها، نبردی تمام عیار میان طرفین روی نداد، اما این مصاف‌ها منشأ تأثیرات مهمی در روابط سیاسی ایوبیان و سلجوقیان روم شد. روابط سیاسی پیچیده میان سلجوقیان روم، ایوبیان، امپراتوری بیزانس، جنگ‌جویان صلیبی و حکومت‌های کوچک مسلمان منطقه تحت تأثیر

این رویارویی‌های نظامی قرار داشت.

درباره دولت ایوبیان و سلاجقه روم، آثار قابل ملاحظه‌ای به زبان فارسی وجود ندارد و تقریباً درباره روابط این دو حکومت، تحقیق مستقلی انجام نشده است. مورخان عرب نیز که درباره دولت ایوبیان تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده‌اند، به صورت منسجم به بررسی روابط این دولت با سلاجقه روم نپرداخته‌اند. بررسی روابط دولت ایوبیان و سلاجقه روم از آن جهت اهمیت دارد که از این طریق می‌توان به نقاط قوت و ضعف این حکومت‌ها و سیاست‌های آنها در موازنه قدرت در برابر حکومت‌های هم‌جوار پی‌برد و روابط این دو سلسله اسلامی را با جنگ‌جویان صلیبی و سایر دولت‌های اروپایی در سطح بین‌المللی تبیین کرد.

در این مقاله فرض بر این است که علت اصلی حمله قلیچ ارسلان به قلعه رعبان، حصن کیفا و دیاربکر اهمیت اقتصادی و راهبردی این مناطق بوده و همچنین خلأ قدرت ناشی از مرگ نورالدین محمود در منطقه از مشوق‌های قلیچ ارسلان برای حمله به این مناطق بوده است. در چنین اوضاعی، قدرت نظامی صلاح‌الدین ایوبی از یک سو و نقشی که سلاجقه روم در تضعیف قوای صلیبی داشتند از سوی دیگر، سبب شد که دو طرف از درگیری کامل پرهیز کنند و به صورت مسالمت آمیز، منافع این منطقه را میان خود تقسیم نمایند.

۱. نقش نورالدین محمود زنگی در توازن قوا در شام

پس از مرگ عمادالدین زنگی، مؤسس سلسله اتابکان زنگی (۵۲۱-۵۴۱ هـ ق) فرزند وی، نورالدین محمود به حکومت سرزمین‌های غربی قلمرو پدر رسید که شامل نواحی شمال شام می‌شد.^۱ نورالدین به طور مستمر، قدرت خود را گسترش داد تا جایی که در زمان مرگ وی، سرزمینی از لیبی تا آناتولی در دستان وی بود.^۲ حکومت او در آغاز محدود به حلب و نواحی اطراف آن بود، از این رو از همان ابتدا با سلاجقه روم و سایر حکومت‌های شمال شام در ارتباط بود. نورالدین تا زمانی که مشغول جنگ با صلیبیان رها،

انطاکیه و طرابلس بود، روابط مسالمت آمیزی با سلاجقه روم داشت.^۳

این روابط مسالمت آمیز، فضای امنی در شمال، برای حکومت نو بنیاد نورالدین فراهم آورد. قدرت وی با تسلط بر موصل و دمشق از حالت حکومتی محلی خارج شد و به قدرت مهم منطقه تبدیل گردید. این قدرت یابی، هم زمان با به حکومت رسیدن قلیچ ارسلان دوم بود.^۴ در این زمان، نورالدین به سطحی از توان رسیده بود که می توانست با همسایه شمالی خود رقابت کند. علت اصلی تیرگی روابط نورالدین و قلیچ ارسلان دوم، طمع حکومت قدرت مند سلاجقه روم برای در دست گرفتن خط تجاری شام و کشاورزی جزیره بود. در شرایطی که نورالدین در خطر دائمی حمله صلیبیان و بیزانس بود، این ناامنی در مرزهای شمالی حکومت او، خطر بزرگی محسوب می شد.^۵

فشار نورالدین بر صلیبیان باعث شد که مانوئل، امپراتور بیزانس برای تثبیت قدرت خود در منطقه و مجازات حاکم انطاکیه به شام لشکرکشی کند.^۶ این لشکرکشی به جنگ با نورالدین نیانجامید. در پی آن صلحی بین طرفین برقرار شد و قراردادی برای حمله دو جانبه علیه سلاجقه روم به امضا رسید. طبق این قرارداد که در منابع عربی و صلیبی ذکری از آن به میان نیامده است، نورالدین و مانوئل، حکومت سلاجقه را از دو طرف مورد تهاجم قرار دادند.^۷ این قرارداد منافی برای نورالدین داشت که مهمترین آن، تامین امنیت سرزمین های خود در مرزهای سلاجقه روم بود.

در این شرایط، سیاست نورالدین منطقه را در ثباتی شکننده قرار داده بود؛ چرا که حضور وی در منطقه، نیروهای صلیبی را تحت فشار قرار می داد و تأمین کننده منافع بیزانس در برابر صلیبیان و سلاجقه روم در شرق بود و در عین حال حضور نیرومند نورالدین در منطقه شام، تهدیدی برای حکومت های دست نشانده بیزانس در منطقه بود.^۸ نورالدین با فتح ارمنستان صغیر، راه ورود بیزانس را به منطقه سد کرد. در این زمان، شرایط به گونه ای بود که اگر بیزانس در پی تجدید نفوذ خود، علیه نورالدین دست به لشکرکشی می زد از اتحاد ارزش مند با او محروم می شد. از این رو خطر بیزانس برای زنگیان شام همواره احساس می شد.

نورالدین با توجه به این نکته به تحت فشار قرار دادن سلاجقه روم در سیواس و ملطیه اکتفا کرد^۱ و بیش از آن به تضعیف سلاجقه روم نپرداخت؛ چرا که تضعیف زیاد سلاجقه علاوه بر این که برای او هزینه فراوانی داشت و مرزهای جنوبی سرزمین وی را در معرض حمله صلیبیان قرار می‌داد باعث از میان رفتن مانع بیزناس برای پیش‌روی به شرق بود. از این رو، وجود دانشمندیه و بهانه قرار دادن آنها برای تضعیف و محدود نگه داشتن سلاجقه کافی بود. مرگ نورالدین سبب شد که این توازن ناپایدار از بین برود و قلیچ ارسلان پس از مرگ نورالدین به سرعت دانشمندیه را از میان برداشت. او چون از شرق آسوده گردید، سپاه مانوئل را در نبرد میریوکفالون درهم کوبید^{۱۰} و با تثبیت قوای خود در آناتولی، راهی شام شد.

۲. بررسی درگیری های نظامی صلاح الدین ایوبی و قلیچ ارسلان دوم

۱-۲. رویارویی اول، سال ۵۷۵ ه ق

در سال ۵۷۵ ه ق. درگیری مختصری میان لشکر صلاح الدین ایوبی و سپاه قلیچ ارسلان روی داد. ریشه این درگیری به زمان نورالدین محمود زنگی باز می‌گشت. در سال ۵۴۵ ه ق عزالدین مسعود بن قلیچ ارسلان، بهسنا یکی از شهرهای ارمنستان را فتح کرد و پس از او بهسنا در دست جانشینش، قلیچ ارسلان بود.^{۱۱} نورالدین در سال ۵۶۸ ه ق به ملطیه، سیواس و آقسرا بخشی از سرزمین‌های متعلق به قلیچ ارسلان دوم حمله کرد. علت این کار، حمله قلیچ ارسلان به شهرهای ذوالنون بن دانشمند بود. وی به نورالدین پناهنده شد. نورالدین شفاعت ذوالنون را کرد که شهرهایش را پس بگیرد. قلیچ ارسلان این شفاعت را قبول نکرد و نورالدین به شهرهای کیسون، بهسنا، مرعش و مرزبان حمله کرد و آنها را به تصرف درآورد.^{۱۲}

پیشنهاد صلح قلیچ ارسلان بدین شرط مورد موافقت نورالدین واقع شد که سیواس در تصرف نورالدین بماند. در این هنگام منشوری از طرف خلیفه برای تأیید حکومت نورالدین بر سرزمین‌های تحت حاکمیتش آمد که شهرهای خلط، سیواس، دیاربرکر و شهرهای

متصرفه از قلیچ ارسلان را به عنوان شهرهای تابع نورالدین می‌شناخت. با مرگ نورالدین بار دیگر قلیچ ارسلان، سیواس را تصرف کرد و نایبان ذوالنون را از آنجا بیرون نمود.^{۱۳} شمس الدین بن مقدم، حاکم حصن رعبان^{۱۴} یکی از افرادی بود که مورد حمله قلیچ ارسلان قرار گرفت. شمس الدین از صلاح الدین ایوبی یاری خواست و صلاح الدین برادر زاده خود، تقی الدین بن تورانشاه را برای یاری او فرستاد. تقی الدین شبانه بر لشکر سلجوقی تاخت و عده زیادی را اسیر کرد اما فردای آن روز با بازگرداندن غنائم به اسیران، آنها را آزاد کرد.^{۱۵}

۲-۲. رویارویی دوم، سال ۵۷۶ هـ ق

یک سال پس از مخاصمه اول، رویارویی بزرگتری بین صلاح الدین و قلیچ ارسلان روی داد. این بار، نبرد بر سر حصن کیفا^{۱۶} و چند شهر از دیاربکر^{۱۷} بود و علت لشکرکشی قلیچ ارسلان به این سرزمین، این گونه بیان می‌شود که نورالدین محمد بن قرا ارسلان، صاحب حصن کیفا که دختر قلیچ ارسلان را در حباله نکاح خود داشت، عاشق زنی زیبا و آوازخوان شد با او ازدواج کرد و آن زن نیز شروع به حکمرانی و تصرف در خزانه‌های مملکت نمود.^{۱۸} بدین ترتیب نورالدین محمد از دختر قلیچ ارسلان روی گردان شد و او نیز پدرش را از ماجرا آگاه کرد. قلیچ ارسلان بر آن شد که شهرهایی را که به عنوان جهیزیه دخترش به نورالدین داده بود، باز پس گیرد. به این دلیل نورالدین محمد از صلاح الدین یاری خواست^{۱۹} و صلاح الدین با صلیبیان صلح نمود و به سمت حلب حرکت کرد و نورالدین محمد را در پناه خود گرفت.^{۲۰}

قلیچ ارسلان خواستار باز پس گیری سرزمین‌هایی بود که به عنوان جهاز به نورالدین محمد داده بود و این امر با مخالفت شدید صلاح الدین روبه‌رو گردید اما سرانجام پس از رد و بدل کردن سفراء، طرفین به توافقی به شرح ذیل رسیدند.

الف) نورالدین محمد پس از یک سال، آن زن آوازخوان را طلاق دهد.

ب) اگر چنین نکرد، صلاح الدین با قلیچ ارسلان همراه شود و با وی بجنگد.

ج) همه امرای موصل، دیاربکر و ارتقی‌ها در این صلح شرکت جویند.^{۲۱} پس از گذشت یک سال، نورالدین محمد بر طبق توافق، زن آوازخوان را طلاق داد، سپس به بغداد رفت و تا زمان مرگ در آنجا اقامت کرد.^{۲۲} همان‌طور که گفته شد در این صف آرای، هیچ زد و خوردی میان سپاهیان صلاح‌الدین ایوبی و قلیچ ارسلان دوم در نگرفت و نتیجه آن تقسیم دیاربکر بین طرفین به گونه‌ای بود که هیچ یک از دو طرف ضرر نکردند و تمامی زیان، متوجه نورالدین محمد شد که سرزمین خود را از دست داد.

۳. علل بروز درگیری‌ها بین صلاح‌الدین و قلیچ ارسلان

در ظاهر امر همان‌گونه که بیشتر منابع دست اول بیان می‌کنند علت درگیری‌ها میان صلاح‌الدین و قلیچ ارسلان تسخیر قلعه و یا اختلاف‌های خانوادگی بود اما در پس این ظواهر، محقق با کمی دقت می‌تواند علل بسیار مهم‌تری را مشاهده کند.

۳-۱. علل سیاسی

عامل اصلی این درگیری‌ها خلأ قدرتی بود که با مرگ نورالدین محمود زنگی پدید آمد و در پی آن، توازن قدرت در سراسر منطقه آناتولی تا مصر بر هم خورد. در زمان نورالدین در سال ۵۶۹ هـ ق میان شام، مصر و یمن وحدت ایجاد شد، ولی طولی نکشید که این وحدت در همان سالی که تحقق یافته بود از بین رفت.^{۲۳} مرگ نورالدین مسئله تقسیم حکومت گسترده وی را میان وارثانش پیش آورد و اساس وحدت را تهدید کرد و حتی نزدیک بود که حکومت اسلامی منطقه به پراکندگی دوران قبل از زمام‌داری عمادالدین بازگردد.^{۲۴} تشکیل حکومت‌های کوچک در منطقه، زمینه را برای حضور دو قدرت برتر سلجوقیان روم و ایوبیان مصر فراهم کرد.

از سال ۵۶۹ هـ ق که سال مرگ نورالدین محمود است تا سال ۵۷۵ هـ ق سیاست دولت‌های سلجوقیان روم و ایوبیان به گونه‌ای پیش رفت که هر دو دولت را روبه‌روی یکدیگر قرار داد. از سال ۵۶۷ هـ ق که سال تأسیس سلسله‌ی ایوبیان است، همواره

نورالدین تهدیدی برای حکومت نوپای صلاح الدین بود.^{۲۵} با مرگ او، این خطر برای ایوبیان رفع شد و زمینه برای اجرای اهداف صلاح الدین مهیا گردید.^{۲۶}

۳-۱-۱. سیاست صلاح الدین ایوبی در برابر شام

پس از مرگ نورالدین محمود زنگی، صلاح الدین ایوبی با اعتراف به مشروعیت خلافت عباسی، تبدیل به شخصی گردید که شایسته برافراشتن پرچم جهاد ضد صلیبی در راه وحدت منطقه و آزادی مناطق اشغالی است.^{۲۷} برنامه او برای نیل به این هدف به دو مرحله تقسیم می‌شد: ۱. تسخیر منطقه شام و ایجاد ثبات در منطقه؛ ۲. جهاد علیه صلیبیان با اتحاد جبهه اسلام با تمام قوا.

از سال ۵۷۰ هـ ق تا ۵۸۲ هـ ق که صلاح الدین مرحله اول نقشه خود را به اجرا گذاشت^{۲۸} با رقیبی، چون قلیچ ارسلان دوم روبه‌رو شد. صلاح الدین طبق سیاستی دقیق که اجازه تجاوز به قلیچ ارسلان نمی‌داد و باعث رنجش او نیز نمی‌شد با او رفتار کرد. علت این سیاست این بود که آسیای صغیر راه اصلی گذر صلیبیان از اروپا به سمت شامات در دست سلجوقیان روم قرار داشت و حملات ترکمانان سلجوقی به جنگ‌جویان صلیبی عامل مهمی در تضعیف سپاهیان صلیبی بود.^{۲۹}

حتی زمانی، مانند سال‌های درگیری صلاح الدین و قلیچ ارسلان که لشکر صلیبی از آناتولی عبور نکرد، نقش سلاجقه در مشغول کردن نیروی دریایی بیزانس بسیار با اهمیت بود.^{۳۰} از سوی دیگر رفتار خشن و غیر موجه صلاح الدین با ترکمانان سلجوقی علاوه بر این که همانند جنگ مرسیفا، دولت شام را از متحدی بسیار مهم محروم می‌ساخت،^{۳۱} می‌توانست سلجوقیان را به متحد صلیبیان تبدیل کند. هم‌چنان که در این دوره شاهد مذاکرات صلیبیان با قلیچ ارسلان دوم و انعقاد موافقت‌نامه وی با فردریک بارباروس هستیم.^{۳۲} سیاست بازدارندگی صلاح الدین نیز بسیار با اهمیت بود، چرا که اعمال نفوذ سلاجقه روم فقط در دیاربکر نبوده است و سلاجقه روم با زنگیان جزیره قصد اتحاد علیه دشمن مشترک خود؛ یعنی صلاح الدین ایوبی را داشتند.

منطقه موصل برای صلاح الدین و اهداف او در جنگ‌های صلیبی بسیار مهم بود تا جایی که چند مرتبه، آن جا را محاصره نمود.^{۳۳} در این زمان، اخباری به دست آمد که عزالدین مسعود، حاکم موصل در فکر اتحاد با اتابکان آذربایجان و فارس است و قصد اعلام تابعیت سلجوقیان روم را دارد و در پی آن است که به نام آنها سکه بزند.^{۳۴} این عامل به علاوه سرزمین‌هایی که قلیچ ارسلان قصد تصرف آنها را داشت برای صلاح الدین موقعیت بسیار دشواری را فراهم می‌نمود. در این شرایط درخواست کمک نورالدین محمد از صلاح الدین، زمینه را برای دخالت بیشتر وی در امور موصل آماده کرد.^{۳۵} علاوه بر این، صلاح الدین خود را جانشین نورالدین نیز می‌دانست.^{۳۶}

۳-۱-۲. سیاست قلیچ ارسلان دوم در برابر شام

موقعیت ویژه آناتولی و شام در جنگ‌های صلیبی سبب شد که قدرت‌های منطقه به فکر تسلط بر هر دو سرزمین باشند و چون در این زمان نورالدین محمود زنگی قدرت برتر منطقه بود، سعی می‌کرد با تحت فشار قرار دادن سلاجقه روم در آناتولی، منافع خود را در آن جا تأمین کند. از این رو نورالدین علاوه بر حملات نظامی، مشکلات سنتی سلاجقه روم را تشدید می‌کرد. این مشکلات سنتی عبارت بودند از:

۱. برخی حکومت‌های محلی که مانع تمرکز قدرت بودند و در زمان قلیچ ارسلان این مشکل را خاندان دانشمندیه^{۳۷} ایجاد می‌کرد.

۲. امپراتوری بیزانس که جهاد علیه آن، دل مشغولی مهم سلجوقیان روم بود و اتحاد نورالدین با بیزانس مانع از آن بود که سلاجقه با خیال آسوده به جهاد با رومیان پردازند. نورالدین محمود زنگی برای محصور کردن قلیچ ارسلان، با سیاستی قوی پیمان همکاری با حکومت دانشمندیه بست و حتی برای حفظ آنها، نیروی نظامی به کمکشان فرستاد.^{۳۸} بدین دلیل بود که تا وقتی نورالدین در قید حیات بود، دانشمندیه از تعرض سلجوقیان روم در امان ماندند و از سوی دیگر پیمان‌نامه‌ای میان امپراتوری بیزانس و نورالدین علیه قلیچ ارسلان، برای حمایت از دانشمندیه برقرار شد. علاوه بر این نورالدین

نقش بازدارنده‌ای در حملات بیزانس به سلجوقیان روم ایفا می‌کرد.^{۳۹}

با مرگ وی توازن قوا در این منطقه بر هم خورد و لشکریان نورالدین از قلمرو دانشمندیه به سرزمین‌های خود بازگشتند. در پی این احوال، دانشمندیان بی پشتوانه شدند و قلیچ ارسلان طی حملاتی، آنان را منقرض کرد.^{۴۰} نظر به این که این کار خوشایند بیزانس نبود، امپراتور مانوئل با لشکری عظیم عازم آناتولی شد، ولی در تنگه تریپیتزه به کلی سپاه خود را از دست داد و نزدیک بود که مانند دیوجانوس اسیر ترکمانان شود.^{۴۱}

قلیچ ارسلان پس از نابودی دانشمندیه، با آسودگی خاطر به مسئله شامات پرداخت. تسلط بر این نواحی می‌توانست دست وی را در سیاست‌های جهان اسلام باز کند. سیاست‌هایی مانند دخالت در امور خلافت عباسی که در آن زمان صلاح الدین بیشترین نفوذ را در آن داشت و این مطلب نیز مزید علت شد که در این زمان سیف الدین غازی، حاکم موصل که فردی لایق بود، درگذشت.^{۴۲}

از سوی دیگر، هرج و مرجی که پس از مرگ نورالدین بر اثر کشمکش سرداران او در منطقه حاکم شد، آزادی عملی برای قلیچ ارسلان به دنبال آورد.^{۴۳} این مطلب را نیز نباید نادیده گرفت که با قدرت‌گیری صلاح‌الدین خطری همانند نورالدین، قلیچ ارسلان را تهدید می‌کرد، بنابراین، احتمال می‌رود قلیچ ارسلان در پی آن بود که ملک صالح اسماعیل، فرزند نورالدین را در حلب به عنوان حائلی میان خود و صلاح الدین قرار دهد.^{۴۴}

۳-۲. علل اقتصادی، استراتژیک

در میان مرزهای مصر، همیشه مرز شمال شرقی تهدید کننده‌تر و آسیب پذیرتر بود. فرمان‌روایان مصر سعی می‌کردند پایگاهی دفاعی در دو طرف شبه جزیره سینا و اگر ممکن باشد در فلسطین جنوبی در اختیار داشته باشند و هنگامی که خود را نیرومند می‌دیدند در اندیشه پیش‌روی به سوی دمشق، حلب، طوروس و فرات (بر ضد نیروهای رقیب مستقر در آناتولی یا عراق) می‌افتادند. هر گاه امکان پیروزی در جنگ وجود نداشت، می‌کوشیدند در سوریه حکومتی دست‌نشانده یا دوست بر سرکار باشد تا راه

نزدیک شدن ایشان به این سرزمین باز باشد و دشمنان نتوانند از دالان سوریه بگذرند و به ایشان حمله کنند. از سوی دیگر، منابعی که مانند کانی و الوار در مصر یافت نمی‌شد در سوریه موجود بود و هر دو سرزمین، یک‌دیگر را از لحاظ اقتصادی تکمیل می‌کردند^{۴۵} از این رو شامات منطقه‌ای بود که صلاح الدین به هیچ عنوان نمی‌توانست از آن صرف نظر کند اما مناطقی که درگیری‌ها در آن رخ داد از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. حصن رعبان که اولین درگیری برای تصرف آن روی داد، شهری بود که برای محافظت از جاده‌ای که از کنار فرات، از حلب به سمیساط^{۴۶} می‌رفت، ساخته شده بود و از نظر تجاری و راهبردی برای قلیچ ارسلان مهم بود. گفتنی است که چندی قبل نیز دانشمندیه از طریق آن، وعده کمک به صلیبی‌ها را داده بودند و بعدها نورالدین برای جنگ با صلیبیان، آن را از دست قلیچ ارسلان خارج ساخته بود.^{۴۷}

حصن کیفا و سرزمین‌های اطراف آن که منشأ درگیری دوم بودند نیز نقش خطیری در خطوط مواصلاتی کشورهای اسلامی میان موصل و حلب و بین بغداد و قلمرو سلجوقیان روم در آسیای صغیر ایفا می‌کرد.^{۴۸} باید توجه داشت که این سرزمین‌ها همگی، بخشی از موصل و دیاربکر بودند و نیمی از سپاهیان موصل از این سرزمین‌ها بودند^{۴۹} و این امر برای صلاح الدین که در پی جنگ با صلیبیان بود، اهمیت بسیار داشت.

۴. پیامدها و آثار درگیری‌های صلاح الدین ایوبی و قلیچ ارسلان دوم

همان گونه که مشاهده شد اولین پیامد، پس از درگیری دوم، تقسیم مناطق دیاربکر به صورت صلح آمیز بین دو سلطان بود. این صلح در ابتدا علیه حکومت موصل بسته شد ولی بعدها ثمرات و ارزش زیاد خود را در رویارویی با تهدیدهای جنگ سوم صلیبی نشان داد.^{۵۰} پس از این قرارداد، نوبت به مبارزه با دشمنی مشترک در آناتولی رسید. قابل توجه است که ارمنستان صغیر پایگاهی مهم برای صلیبیان به شمار می‌رفت؛ چرا که ارتش صلیبی پس از گذشتن از تنگه داردانل و طی مسیری در جنوب آناتولی به این سرزمین مسیحی نشین می‌رسید و می‌توانست خود را از گزند ترکمانان و سلجوقیان حفظ کند. از

این رو تصرف این منطقه، هم برای ایوبیان و هم برای سلاجقه اهمیت داشت. زمانی که ملیح بن لیون (لاون) پادشاه ارمنیه از جانب قلیچ ارسلان، امپراتور بیزانس و امرای ارمنی مورد حمله قرار گرفت برای رهایی از مشکلات به نورالدین پناه برد.^۱ نورالدین نیز برای به دست آوردن پایگاهی مناسب در ارمنستان برای محدود نمودن قلیچ ارسلان و سد کردن راه بیزانس به سوی شام، به ابن لیون کمک کرد.^۲

بعد از مرگ نورالدین، ابن لیون دشمن طبیعی سلجوقیان روم و ایوبیان گردید؛ چرا که سرزمین‌های مهمی را در اختیار داشت و در زمان نورالدین، با او علیه قلیچ ارسلان متحد شده بود و در این زمان اتحاد وی با زنگیان، خطری برای صلاح الدین محسوب می‌شد. بهانه لازم به صلاح الدین و قلیچ ارسلان برای حمله به ارمنستان صغیر با یورش پادشاه ارمنستان به ترکمانان آن سرزمین و اسیر کردن آنها داده شد. در پی درخواست کمک ترکمانان از صلاح الدین، دو نیروی متحد به سرزمین ابن لیون تاخته و آن را تصرف نمودند^۳ و به گونه‌ای غیر رسمی و محافظه کارانه، ارمنستان صغیر را بین خود به این شکل تقسیم کردند که حاکم ارمنی منطقه، منافع هر دو دولت را تأمین کند.^۴ بازخورد این اقدام در مشکلاتی که برای صلیبیان جنگ سوم صلیبی در هنگام گذر از این منطقه پیش آمد به طور کامل آشکار شد.^۵

مقارن این زمان فردریک بارباروس، امپراتور آلمان با سپاهی دویست هزار نفری برای جنگ با صلاح الدین عازم شام بود. قلیچ ارسلان با عبور وی از آناتولی مخالفتی نکرد. علت موافقت قلیچ ارسلان با ورود سپاهیان آلمانی فشاری بود که از سوی صلاح الدین و انگوس امپراتور بیزانس به وی تحمیل می‌شد و طبیعی بود که آلمانی‌هایی را که دشمن دولت‌های بیزانس و ایوبیان بودند، متحدی برای خود بدانند. نیروی عظیم صلیبیان از قدرت صلاح الدین می‌کاست و قلیچ ارسلان را از دشمنی قوی در نزدیکی خود، آسوده خاطر می‌کرد.^۶ با این وجود، وی هیچ گونه کمکی به آنها نکرد و سپاهیان خود را به عنوان مراقب لشکر آلمانی گمارد تا مانع تعرض آنها به مردم شوند. راهنمایان سلجوقی به سرعت آنها را به ارمنستان صغیر رساندند؛^۷ زیرا هرگونه کمک به سپاه آلمان، علاوه بر

این که خطر غارت سرزمین‌هایش را از سوی سپاه آلمانی به دنبال داشت در وجهه او به عنوان غازی اسلام نیز بسیار تأثیر منفی می‌گذاشت.

مدتی بعد از این اتفاق‌ها، قلیچ ارسلان سرزمین خود را میان پسرانش تقسیم کرد، ولی بین پسرانش اختلاف افتاد. قطب الدین ملک شاه که داماد صلاح الدین بود بر قونیه چیره شد و بر پدر خود مسلط گردید.^{۵۸} در نتیجه راه برای اجرای سیاست‌های صلاح الدین در آناتولی هموارتر شد. فشاری که صلاح الدین از طریق دامادش قطب الدین، پسر قلیچ در دولت سلجوقیان روم اعمال می‌نمود سبب شد در زمان صلح بین قلیچ ارسلان و فردریک، قطب الدین ملک شاه با سپاهی که با بیابان‌گردان ترکمن تقویت شده بود به لشکر آلمانی تاخت و از ایشان شکست خورد ولی ضربات شدیدی بر سپاه آلمان وارد ساخت.^{۵۹} در این جنگ، رابطه خویشاوندی قطب الدین با صلاح الدین و هم‌چنین سیاست‌های متعارض او با سیاست‌های قلیچ ارسلان تأثیر داشت.

پس از این واقعه به سبب تسلط فرزندان قلیچ ارسلان بر او و عدم حضور فعالش در منطقه، صلاح‌الدین موضع فعالی درباره مناطق مورد منازعه گرفت، بدین ترتیب که منطقه رعبان و حصن کیفا به دست صلاح‌الدین اداره شد و صلاح‌الدین بعد از مرگ نورالدین محمد، فرزند وی را بر منطقه آمد مسلط کرد.^{۶۰} هم‌چنین منطقه ارمنستان به علت درگیری مستقیم با جنگ‌های صلیبی زیر نظر وی درآمد. نکته قابل توجه آن که پس از تغییر مسیر لشکرکشی‌های جنگ‌های صلیبی از خشکی به دریا و هم‌چنین مشغول بودن صلاح الدین به جنگ با صلیبیان و تصرف بیت المقدس، روابط نظامی و سیاسی میان صلاح الدین و قلیچ ارسلان دوم از میان رفت.

نتیجه

روابط نظامی صلاح الدین ایوبی و قلیچ ارسلان دوم به دو رویارویی در سال‌های ۵۷۵ هـ ق و ۵۷۶ هـ ق محدود شد که در هر دوی این رویارویی‌ها، جنگی قطعی بین طرفین در نگرفت و ایشان کوشیدند تا با مدارا نسبت به یک‌دیگر رفتار کنند و در عین حال منافع

خود را در نظر داشته باشند. از مهمترین علل این درگیری‌ها، اهمیت زیاد منطقه شامات برای دو طرف از ابعاد استراتژیک و اقتصادی بود. در واقع، تلاش قلیچ ارسلان ادامه کار سلاجقه روم برای انضمام این منطقه به سرزمین‌های تحت حاکمیت خود بود. از سوی دیگر تصرف مناطق مورد بحث، یکی از اصلی‌ترین اهداف صلاح الدین برای اتحاد منطقه شام و پس از آن رویارویی با صلیبیان بود.

از این رو منافع دو حکومت در مناطق دیاربکر، رعبان و حصن کیفا روبه‌روی یک-دیگر قرار گرفت اما شرایط حساس منطقه مانع از آن می‌شد که نبردی قطعی سرنوشت این سرزمین‌ها را مشخص کند. وجود امپراتوری بیزانس و جنگ‌جویان صلیبی به عنوان دشمن مشترک، دو رقیب را به سمت سیاستی دقیق در برابر تحولات منطقه سوق داد به گونه‌ای که بر اساس آن با اتحاد، منافع مشترک را تأمین کنند و رقیب خود را با به کار بردن سیاست‌های ویژه‌ای تضعیف نمایند اما عاملی که باعث به وجود آمدن این شرایط شد خلاً قدرتی بود که پس از مرگ نورالدین محمود در منطقه ایجاد شد و توازن قوای دقیقی را که نورالدین در منطقه شکل داده بود، برهم زد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حمزة بن أسد بن علی بن محمد ابن القلانسی، *تاریخ دمشق لابن القلانسی*، محقق سهیل زکار، دمشق: دار حسان للطباعة والنشر، ۱۹۸۳، ص ۴۴۵.
۲. عزالدین ابن اثیر، *التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه بالموصل*، محقق عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره: دارالکتب الحدیثه، بی تا، ص ۱۶۲.
۳. ر.ک: ابن القلانسی، پیشین، ص ۴۸۱؛ ولیم الصوری، *الحروب الصلیبیه*، مترجم حسن حبشی، قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۳۲۶.
۴. ابن اثیر، پیشین، ص ۱۰۸.
۵. ر. ک: زبیده عطا، *الشرق الاسلامی و البیزنطه زمن الایوبیین*، قاهره: طبع نشر توضیح، ۱۹۹۴، ص ۵۴.
۶. ر.ک. ولیم الصوری، پیشین، ۴۲۸.
۷. زبیده عطا، پیشین، ص ۵۴.
۸. ر.ک: هایز ابرهارد مایر، *جنگهای صلیبی*، مترجم عبدالحسین شاهکار، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰؛ استیون، رانیسمان، *تاریخ جنگهای صلیبی*، مترجم منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۴۱۳؛ زبیده عطا، پیشین، ص ۵۵.
۹. ابن اثیر، پیشین، ص ۱۶۰.
۱۰. مجهول المؤلف، *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، مصحح نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۷، ص ۸۲.
۱۱. عزالدین محمد ابن شداد، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره*، مصحح دومینیک سوردیل، دمشق: المعهد الفرنسی بدمشق لدراسات العربیه، ۱۹۵۴، ج ۱، قسمت دوم،

ص ۱۱۶.

۱۲. عزالدین ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، مصحح محمد یوسف دقاقه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۷، ج ۱۰، ۳۹۱؛ همو، *التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه بالموصل*، پیشین، ص ۱۶۰.
۱۳. ابوزید عبدالرحمن ابن‌خلدون، *العبر تاریخ ابن‌خلدون*، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۱۳.
۱۴. شهری بین سمیسط و حلب نزدیک فرات. یاقوت حموی بغدادی، *معجم البلدان*، مترجم علینقی منزوی، تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۳۱.
۱۵. ابوالفدا الحافظ ابن‌کثیر، *البدایه و النهایه*، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۹۶۶، ج ۱۱، ص ۳۰۲؛ ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، پیشین، ج ۱۰، ص ۹۷؛ جمال‌الدین بن سالم، ابن‌واصل، *تاریخ ایوبیان*، مترجم پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۹۴؛ احمد ابن علی مقریزی، *کتاب السلوک لمعرفة دول الملوک*، مصحح محمد مصطفی زیاده، قاهره: جنبه تألیف و ترجمه و نشر، ۱۹۵۶، ج ۱، قسمت اول، ص ۶۸-۶۹؛ محمد بن محمد أبو عبد الله عمادالدین الکاتب الأصبهانی، البرق الشامی، محقق فالح حسین، الأردن- عمان: مؤسسۀ عبد الحمید شومان، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۱۷۳.
۱۶. کیفا که به آن، کیبا نیز گفته می‌شود شهر و قلعه‌ای بزرگ مشرف به دجله است و بین آمد و جزیره ابن عمر از دیاربکر قرار دارد. یاقوت حموی بغدادی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۹.
۱۷. دیاربکر سرزمینی وسیع بر سمت غرب دجله تا کوه‌های نصیبین است و شهرهای آن حصن کیفا، آمد و میافارقین است. همان، ص ۴۲۱.
۱۸. ابن‌واصل، پیشین، ص ۱۱۴.
۱۹. عماد الدین الکاتب الأصبهانی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵۶.
۲۰. همان، ص ۱۵۷؛ ابن‌واصل، پیشین.
۲۱. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ ابن‌واصل، پیشین، ص ۱۱۶؛ غوریغوریوس ابوالفرج هارون ابن‌عبری، *تاریخ مختصر الدول*، مترجم محمد علی تاج پور

- و حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴، ص ۳۰۰.
۲۲. ابن اثیر، پیشین، ص ۱۰۲.
۲۳. عصام محمد شبارو، *السلطین فی المشرق العربی معالم دورهم السیاسی و الحضاری*، بیروت: دار النهضة العربیه، ۱۹۹۴، ص ۱۳۷.
۲۴. محمد سهیل طقوش، *دولت ایوبیان*، مترجم عبدالله ناصری طاهری، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۵۱.
۲۵. مقریزی، پیشین، ص ۴۱؛ ابن واصل، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۵.
۲۶. عصام محمد شبارو، پیشین، ص ۱۳۷.
۲۷. همان.
۲۸. سعید عبد الفتاح عاشور، *مصر و الشام فی عصر الایوبیین و الممالیک*، بیروت: دارالنهضة العربیه، بی تا، ص ۵۱.
۲۹. علی محمد صلابی، *دولة السلاجقة و بروز مشروع اسلامی لمقاومة التغلغل الباطنی و الغزو الصلیبی*، صیدا: مکتبه العصریه، ۲۰۰۷، ص ۵۱۱.
۳۰. استیون، رانیسمان، پیشین، ص ۴۸۳.
۳۱. علی محمد صلابی، پیشین، ص ۵۱۷.
۳۲. فرانسوا، ل گانسهوف، *تاریخ روابط بین الملل در قرون وسطی*، مترجم قاسم صفوی، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲، ص ۱۶۴.
۳۳. محمد سهیل، طقوش، پیشین، ص ۶۶.
۳۴. ارنست بارکر، *الحروب الصلیبیه*، مترجم سید الباز العرینی، بیروت: دارالنهضة العربیه، بی تا، ص ۱۷۵.
۳۵. همان، ص ۱۷۲.
۳۶. عصام محمد شبارو، پیشین، ص ۱۳۶.
۳۷. در موقعی که سلاجقه به بسط قدرت خود در آسیای صغیر می پرداختند. یکی از

رؤسای ترک به نام گمشتگین بن دانشمند در ولایت کاپادوکیه؛ یعنی در شهرهای سیواس، قیساریه و ملطیه دولتی برای خود ترتیب داد که دولت سلجوقیان روم به روزگار آنها خاتمه دادند. استانلی لین پول، طبقات سلاطین اسلام، مترجم عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸.

۳۸. محمود بن محمد آقسرائی، *مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، مصحح عثمان توران*، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ص ۳۰.

۳۹. شهاب‌الدین عبدالرحمن ابی شامه، *عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیة، مصحح احمد البیسومی، دمشق: منشورات وزارة الثقافة، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۲۵۳. محمد جواد مشکور، اخبار سلاجقه روم با متن کامل سلجوق نامه ابن بی بی، تهران: کتاب فروشی تهران، ۱۳۵۰، ص ۸۸.*

۴۰. محمود بن محمد آقسرائی، *پیشین*، ص ۳۰.

۴۱. استیون رانیسمان، *پیشین*، ص ۴۸۰؛ محمد جواد مشکور، *پیشین*، ص ۸۸ - ۹۰.

۴۲. ابن اثیر، *پیشین*، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۴۳. ابن عبری، *پیشین*، ص ۳۰۱.

۴۴. محمد سهیل طقوش، *پیشین*، ص ۸۵.

۴۵. پی ام، هولت، آن.ک. س، لمتون، تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کیمبریج، مترجم احمد آرام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۶۴ - ۲۶۵.

۴۶. شهری برشعبه‌ای از فرات است در بلاد روم بر سمت غربی فرات، یاقوت حموی بغدادی، *پیشین*، ج ۳، ص ۱۵۰.

۴۷. ابن اثیر، *پیشین*، ص ۸۱.

۴۸. زبیده عطا، بلاد الترك فی عصور الوسطی بیزنطة و السلاجقة روم و العثمانيون، بیروت: دار الفکر العربی، بی تا، ص ۱۰۲.

۴۹. ارنست بارکر، *پیشین*، ص ۱۷۲، ر.ک: سالم محمد الحمیده، ۱۹۹۰، الحروب الصلیبی

- عهد الجهاد المبكر، بغداد: دارالشؤون الثقافه العامه، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۲۲۰، ۲۲۱.
۵۰. هابز ابرهارد ماير، *جنگهای صلیبی*، مترجم عبدالحسین شاهکار، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱، ص ۱۵۰.
۵۱. ابی شامه، *پیشین*، ص ۳۲۹.
۵۲. ابن اثیر، *پیشین*، ص ۱۰۳.
۵۳. همان؛ ابن کثیر، *پیشین*، ص ۳۰۶.
۵۴. یوسف بن رافع ابن شداد، *النوادر السلطانية والمحاسن اليوسفیه* (سیرة صلاح الدین الأیوبی، محقق جمال الدین الشیال، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۹۹۴، ص ۹۸، ۹۹.
۵۵. محمد رشاد، *جنگهای صلیبی*، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۰.
۵۶. مشکور، *پیشین*، ص ۹۱.
۵۷. محمد سهیل طقوش، *پیشین*، ص ۸۹.
۵۸. مجهول المؤلف *پیشین*، ص ۸۳.
۵۹. هابز ابرهارد ماير، *پیشین*، ص ۱۶۴؛ محمد جواد مشکور، *پیشین*، ص ۹۱.
۶۰. عماد الدین الکاتب الأصبهانی، *پیشین*، ج ۵، ص ۷۸.